

الگوی پیش سازمان دهنده

منظور از پیش سازمان دهنده مفهوم، مطلب یا موضوعی است که در تدریس یک درس مورد استفاده قرار می گیرد تا بوسیله آن، قسمت ها و مطالب مختلفی که رشته ای از دانش را تشکیل می دهد، با نظم خاصی سازمان یابد و در ذهن شاگرد جای گیرد. این گونه نظام آفرینی در ذهن، با یک مطلب کلی که آن را پیش سازمان دهنده می نامیم شروع می شود؛ به عبارت دیگر، پیش سازمان دهنده یک مطلب یا مفهوم کلی است که در مقدمه تدریس می آید تا مبحثی را که به شاگردان ارائه داده می شود با مباحث پیشین همان درس مربوط سازد و در عین حال، پایه ای برای ارتباط مفاهیم بعدی با مفاهیم پیشین شود و شاگرد بتواند تمام مباحث درس را بصورت یک ساخت منظم و سازمان یافته در ذهن خود جای دهد. در الگوی پیش سازمان دهنده، معمولاً مطالب از کلی به جزئی مورد بررسی قرار می گیرد

محاسن و محدودیت های الگوی سازمان دهنده

ویژگی های الگوی پیش سازمان دهنده

اساس نظری الگوی پیش سازمان دهنده

هر یک از الگوهای تدریس دارای خصوصیتی است که بر اساس تفکری خاص بوجود آمده است. این خصوصیات موجب تمایز یک الگو از الگوهای دیگر می شود. نظریات، الزاماً درست و اثبات شده نیستند و کاربردشان برای تمام موقعیت ها قطعیت ندارد. اصولاً هیچ نظری را نمی توان در آموزش بطور مطلق پذیرفت. ارزش های آموزشی نسبی اند و همیشه در رابطه با موقعیت ارزشیابی می شوند. اساس نظری الگوی پیش سازمان دهنده نیز از چنین ویژگی هایی برخوردار است. اساس نظری الگوی پیش سازمان دهنده، از ساختار رشته های مختلف درسی شکل گرفته است. شوآب (۱۹۷۳) برای توصیف مفهوم ساختار، سه مجموعه مشخصه متمایز، ولی مرتبط با هم را مورد نظر قرار داده است .

۱ . مفاهیم موجود در هر درس، ساخت ویژه ای را بوجود می آورند که در مجموعه به آنها دانش می گویند؛ مانند دانش فیزیک، دانش شیمی و دانش ریاضی

۲ . ساخت هر رشته از دانش بر اساس سلسله مراتب شکل می گیرد. ترتیب و توالی مفاهیم در این سلسله مراتب به گونه ای است که مفاهیم کلی پیش از مفاهیم جزئی شکل گرفته اند؛ بنابراین، در هنگام تدریس، مفاهیم کلی باید قبل از مفاهیم جزئی ارائه شوند.

۳. مفاهیم و مطالبی را که می‌خواهیم در یک رشتهٔ درسی به شاگرد یاد بدهیم، باید با ساخت شناختی او - یعنی با سایر مفاهیم و مطالب آن رشته که از پیش در ذهن شاگرد بوجود آمده است - مربوط سازیم.

محاسن و محدودیت‌های الگوی سازمان‌دهنده

الگوی پیش سازمان‌دهنده در نظام‌های آموزشی فقیر که معلمانی باتجربه ولی امکانات آموزشی محدودی دارند، الگوی مناسبی است. در این الگو، از یک زمان آموزشی محدود می‌توان حداکثر استفاده را کرد. علاوه بر این، به علت برنامه‌ریزی دقیق معلم، از اتلاق وقت جلوگیری می‌شود و گروه کثیری از شاگردان با کمترین امکانات آموزش می‌بینند و مفاهیم، بطور منظم و نظام‌دار، در ساخت شناختی شاگردان جای می‌گیرد. این الگو، الگوی مناسبی برای دروس نظری است، اما واقعیت این است که امروزه بر خلاف گذشته، کلاس درس دیگر فقط محیط آموزش نیست. پیشرفت در همه زمینه‌های فن‌آوری، بویژه فن‌آوری اطلاعات و پیام‌رسانی، نحوه آموزش و یادگیری را در دنیا متحول ساخته است؛ مثلاً شاگردان مفاهیم و اطلاعاتی را که در مورد علوم، سیاست و قوانین اجتماعی از وسایل ارتباط جمعی، بویژه تلویزیون می‌گیرند، بسیار غنی‌تر از اطلاعات خشک کلاس درس است. آیا باز هم باید فکر کنیم که وظیفهٔ معلم منحصر به دادن اطلاعات و معلومات است؟ آیا معلمان می‌توانند با جامعهٔ یاد دهنده امروزی رقابت کنند؟

بدیهی است که هنوز یکی از وظایف مدرسه این است که به شاگردان اطلاعات و معلومات منظم و مرتب‌بندی بدهد، ولی وظیفه مهم‌تر این است که شاگردان در دوران تحصیل یاد بگیرند که چگونه یاد بگیرند. مدرسه باید به آنها چگونه اندیشیدن و چگونه یاد گرفتن و چگونه زندگی کردن را بیاموزد. آنها باید شیوه تحلیل کردن و ترکیب کردن را کسب کنند تا بتوانند اطلاعات مختلف و متنوع را جذب نمایند و مورد استفاده قرار دهند. به اعتقاد اکثر صاحب‌نظران آموزشی، یکی از وظایف عمده آموزش و پرورش امروزی ایجاد محیطی است که در آن، شاگردان نگرش خاصی از مدرسه و از حرفه آینده خود و بطور کلی از جامعه بدست آورند. متأسفانه، در شیوه‌های تدریس و فعالیت‌های آموزشی محدود در الگوی پیش سازمان‌دهنده، تمام تصمیمات توسط معلم گرفته می‌شود. اوست که تصمیم می‌گیرد چه موضوعی را آموزش دهد و چگونه آموزش دهد. شاگردان در انتخاب موضوع، نوع فعالیت و سرانجام در طرح و اجرا و گرداندن برنامه‌های آموزشی نقشی ندارند. در چنین الگویی، نیازها و علایق و توانایی‌های شاگردان کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد و به همین دلیل، آنان کمتر احساس موجودیت و مسؤولیت می‌کنند. آنچه بیشتر مورد توجه است، موضوعات و مفاهیمی است که تدریس می‌شود. در چنین الگویی، محتوا با زندگی واقعی شاگردان چندان ارتباطی ندارد و به همین دلیل، اگر آنان مواد مورد نظر را بیاموزند و امتحان بدهند، هدف آموزشی تأمین شده است. در الگوی پیش سازمان‌دهنده، به مسائل روانی، عاطفی و اجتماعی شاگردان کمتر توجه می‌شود و رضایت‌خاطر آنان چندان مورد توجه نیست. فرآورده‌های چنین نظامی قادر نیستند آموخته‌هایشان را در زندگی واقعی به کار بگیرند

ویژگی‌های الگوی پیش سازمان‌دهنده

الگوی پیش سازمان دهنده در برگیرنده مفهومی کلی است که در مقدمه تدریس می آید تا مباحثی را که به شاگردان ارائه داده می شود با مباحث پیشین همان درس مربوط سازد.

مراحل اجرای الگوی پیش سازمان دهنده

نخستین گام در اجرای این الگو ارائهٔ پیش سازمان دهنده است. مطلب پیش سازمان دهنده باید از مطلب یا مطالب درس جدید کلی تر باشد. گام دوم ارائه مطلب و مفاهیم درس جدید است. در گام سوم، باید مثال ها و نمونه هایی برای تفهیم بیشتر مطالب جدید آورده شود و سرانجام مثال ها باید به گونه ای ارائه شوند که با مفهوم پیش سازمان دهنده مرتبط شوند. مثلاً معلمی می خواند اندام های تولیدمثل گیاه را درس بدهد. او درس را مستقیماً از خود موضوع شروع نمی کند، بلکه درس را با این مفهوم که تمام جانداران پریاخته برای بقای نسل تولیدمثل می کنند آغاز می کند. او پس از یادآوری و تشریح چگونگی تولیدمثل در جانداران، موضوع درس جدید، یعنی پرچم و مادگی را - که اندام های تولیدمثل گیاهان هستند - تشریح می کند و پس از تشریح درس جدید، پرچم و مادگی چند گل معروف و آشنا را مستقیماً یا بوسیله اسلاید نشان می دهد.

معلم در بیان تولیدمثل جانداران سعی می کند با استفاده از اطلاعات و آگاهی های شاگردان، فهم مطالب جدید را آسان سازد؛ زیرا شاگردان در جلسات گذشته با مفاهیم تولیدمثل جانداران آشنا شده اند. در واقع، او با بیان تولیدمثل جانداران، پایگاهی ذهنی برای فهم درس جدید در ساخت شناختی شاگرد ایجاد می کند. این پایگاه نقش پیش سازمان دهنده را به عهده دارد.

چگونگی کنش و واکنش معلم نسبت به شاگردان

در الگوی پیش سازمان دهنده، معلم نقش ارائه کنندهٔ مفاهیم پیش سازمان دهنده و مطالب درسی را دارد و شاگردان دریافت کننده و پذیرندهٔ مطالب درسی هستند. البته در این الگو، اصول قطعی و جزئی برای عملکرد معلم وجود ندارد. امکاناتی وجود دارند که با بکارگیری آنها اثربخشی الگو بیشتر می شود. مهم ترین نکته این است که معلم باید برای ارائه مطالب درسی، مناسب ترین پیش سازمان دهنده را انتخاب کند. نکته دیگر اینکه معلم باید اطمینان حاصل کند که شاگردان پیش سازمان دهنده را درک کرده اند و می توانند آن را به مطالبی که بعداً عرضه می شود ربط دهند. برای حصول اطمینان از این نکته، چند راه وجود دارد. نخست اینکه معلم هنگام تدریس در زمان های مناسب، پیش سازمان دهنده را بازگو کند؛ دیگر اینکه معلم پس از معرفی پیش سازمان دهنده، اندکی مکث کند تا شاگردان مطلب کلی را بعنوان پیونددهنده مطلب پیشین و مطالب جدید تشخیص دهند .

به طوری که گفته شد، مطابق این الگو، محتوای آموزشی از پیش تهیه می شود و ترتیب و توالی ارائه آنها به نحوی است که قبلاً گفته شد. معلم به عنوان سازمان دهنده و نیز ارائه کننده محتوای آموزشی، در تحقق هدف های تدریس و بهبود فرایند آن، نقشی فعال و قاطع دارد. در واقع، نحوه واکنش معلم ارتباط مستقیمی با نحوه تدریس او دارد. در این الگو،

معلم نقش انتقال و ارائه‌دهنده درس را به‌عهده دارد. در مقابل، شاگرد درس را می‌گیرد، می‌پذیرد و احتمالاً در ساخت شناختی خود جای می‌دهد. البته معلم می‌تواند برای فعال‌تر کردن شاگردان، از وسایل مختلف آموزشی کمک بگیرد و باعث برانگیختن ذهن و توجه آنان شود. او همچنین می‌تواند با مطرح ساختن پرسش‌هایی، شاگردان را به اندیشیدن درباره مطالب درسی تشویق کند. در هر صورت، جهت ارتباط همیشگی از طرف معلم به طرف شاگرد یا شاگردان است. با این همه، شاگردان کم‌کم در می‌یابند که معلم تنها یکی از عوامل مؤثر در فرایند آموزش است و در همه موارد نمی‌تواند به تنهایی و با اتکا به دانش اندوخته خود به هدف‌های آموزشی برسد.

ماهیت روابط میان گروهی

در این الگو، به علت یکسو بودن جهت انتقال، اطلاعات از معلم به شاگردان منتقل می‌شود و در نتیجه، امکان کشف و جستجوی مفاهیم برای شاگردان محدود می‌شود. از طرف دیگر، شاگردان برای بحث و تبادل نظر درباره مطالب ارائه شده مجال نمی‌یابند؛ به عبارت دیگر، در این الگو، معلم با فرد فرد فراگیران یا با گل آنان ارتباط پیدا می‌کند، ولی این ارتباط یک‌طرفه است، یعنی شاگردان معمولاً با او و با یکدیگر ارتباط ندارند و در واقع، معلم بر کلاس مسلط است.

برای افزایش روابط میان گروهی در این الگو، معلم می‌تواند با طرح پرسش‌های راهنمایی‌کننده، فراگیران را به شرکت در بحث‌های کلاس علاقه‌مند کند و از این‌راه، امکان ارتباط بیشتر آنان را با یکدیگر فراهم سازد. پرسش‌های راهنمایی‌کننده نه تنها به فراگیران امکان بحث و تبادل نظر درباره مطالب درسی را می‌دهد، بلکه آنان را بر می‌انگیزد تا مفهوم پیش سازمان‌دهنده را بیشتر درک کنند.

شرایط و منابع لازم

در این الگو، معلم و کتاب و کلاس درس فقط منابع و شرایط آموزشی هستند. شرط اصلی برای بکار بردن این الگو وجود معلمی است که از روش‌ها و شگردهای مناسب برای تدریس، بر طبق الگوی پیش سازمان‌دهنده، آگاهی داشته باشد. چنین معلمی باید بتواند مطالب کلی را از جزئی تمیز دهد؛ زیرا مطالب کلی در ذهن فراگیر چارچوبی می‌سازد که ممکن است مفاهیم جزئی را بتدریج در خود جای دهد. او نباید مطالب آموزشی را جدا از هم در نظر بگیرد، بلکه باید آنها را همچون عناصری بداند که اگر درست در کنار هم قرار گیرند، شکلی را به وجود خواهند آورد که باعث می‌شود شاگردان از پدیده‌های دنیای پیرامون خود تصویری درست بدست آورند. با توجه به اینکه او یگانه منبع و منشأ اطلاعات است، باید سخنران خوبی باشد، اما نباید در تمام طول تدریس فقط سخن‌پردازی کند و خود را یک‌ه‌تاز میدان فعالیت‌های آموزشی بداند؛ زیرا ممکن است کم‌کم فراگیران متوجه شوند که او به عنوان تنها منبع اطلاعات نمی‌تواند پاسخ‌گوی همه مسائل باشد. او باید به فراگیران فرصت دهد تا در فرایند آموزشی شرکت جویند. او می‌تواند با بکار گرفتن کانال‌های مختلف ارتباطی، کلاس را از حالت خشک و یک‌طرفه که خصلت این الگوست، بیرون آورد و به این ترتیب، به شاگردان فرصت دهد که بیشتر به خود مطلب توجه کنند تا به او؛ زیرا معلم در هر موقعیت آموزشی، یکی از منابع متعدد اطلاعات است. سایر منابع، از جمله ابزارهای آموزشی، به شاگردان امکان می‌دهند تا به مطالب درسی از زاویه‌های مختلف نگاه کنند.